

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی  
سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۲۶-۱۰۳

## معرفی چند شاعر و نویسنده گمنام کرمانی، متعلق به سده‌های ۱۰ و ۱۱ هجری<sup>۱</sup>

دکتر داریوش کاظمی<sup>۲</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

مریم بدیعی<sup>۳</sup>

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

### چکیده

قرن‌های ۱۰ و ۱۱ هجری از جمله سده‌هایی است که خطه کرمان از حیث وجود نمایندگان علمی و فرهنگی چشمگیر بود اما متأسفانه برخی از این بزرگان یا به کلی ناشناخته مانده‌اند و یا خود و آثارشان به خوبی معرفی نشده‌است. مقاله حاضر سعی دارد تا به بازشناسی و معرفی اجمالی چند تن از شاعران و مؤلفان گمنام کرمانی و آثار آنها در محدوده زمانی مزبور بپردازد. شخصیت‌هایی چون مرزبان راوری، بهزاد بن رستم، قدسی کرمانی و حافظی کرمانی که در میان اهالی علم و ادب و نیز در تذکره‌ها و منابع کتاب‌شناسی، کمتر نامی از ایشان و تألیفاتشان برده شده است و یا به‌درستی معرفی نشده‌اند و گاهی نیز در گزارش‌های مربوط به

---

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۹

<sup>۱</sup> تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۵/۳۱

<sup>۲</sup> d\_kazemi@iauk.ac.ir

<sup>۳</sup> maryambadiee49@gmail.com

آنان، اشتباهات و خطاهایی دیده می‌شود. این جستار با استناد به آثار مخطوط به‌جای مانده از ایشان و موجود در سه کتابخانه بزرگ تهران (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و مرکز اسناد و کتابخانه ملی تهران) نوشته شده است.

## واژه‌های کلیدی

مرزبان راوری، بهزاد بن رستم، قدسی کرمانی، حافظی کرمانی، نامداران زرتشتی.

### ۱- مقدمه

کرمان در طول تاریخ علمی، فرهنگی و مذهبی خود فراز و نشیب‌هایی را تجربه کرده است اما همواره یکی از قطب‌های مهم این مرز و بوم در زمینه‌های مذکور به شمار می‌آمده است چرا که هیچ‌گاه از داشتن چهره‌های شاخص و اثرگذار بی‌بهره نبوده است و همواره از داشتن نامدارانی چون خواجهی کرمانی، عماد فقیه کرمانی، شاه نعمت الله ولی، نفیس بن عوض کرمانی، وحشی بافقی، میرزا آقا خان کرمانی، محمد کریم خان قاجار و صدها چهره تأثیرگذار دیگر به خود بالیده است.

در این میان گذشته از دوره قاجار که به نظر می‌رسد کرمان شخصیت‌های مطرح بسیاری داشته است؛ قرن‌های ۱۰ و ۱۱ هجری که تقریباً با آخرین سال‌های قدرت تیموریان و دوره حکومت صفوی مصادف می‌شود، این منطقه رجال علمی و فرهنگی بیشتری نسبت به دیگر اعصار در برداشته است.

هر چند که این خطه در طول تاریخ کهنش هیچ‌گاه روی آرامش و پایداری به خود ندیده و در همه عصرها با سختی‌ها و مصائب مختلف دست به گریبان بوده است، مخصوصاً دوره تسلط تیموریان که به علت اختلاف امیرزادگان از بدترین ایام تاریخ کرمان محسوب می‌شده است (وزیری، ۱۳۸۵: ۵۸) اما وجود عواملی سبب گردید که در دو قرن ۱۰ و ۱۱ قمری،

بستر و مأمّن مناسب‌تری برای رشد و فعالیت عالمان و ادیبان کرمانی فراهم آید. اگر قدری به عقب برگردیم یعنی به زمان حمله و استیلای مغول بر سرزمین ایران، خواهیم دید که کرمان در آن دوره یکی از پناهگاه‌های امن فرهنگی (هرچند فرعی) برای اهالی علم و ادب به شمار می‌آمده است (صفا، ۱۳۸۹: ۳/۱۰۳).

همچنین در دوره بعد از مغول، وجود شاهان فرهنگ دوست و ادب پرور گورکانی، همچون شاهرخ میرزا، بایسنقر میرزا و میرزا الغ بیگ که کرمان تحت فرمان گماشتگان آنها بود<sup>۱</sup> و نیز وجود شاه نعمت الله ولی و علاقه خاص شاهرخ میرزا به وی و ملاحظاتی که به این مناسبت در خصوص کرمان قائل می‌شد، زمینه را برای حضور فعالان حوزه علم، ادب و مذهب چه در آن عصر و چه در قرون بعد فراهم آورد. گویا در دوره صفویه نیز، «کرمان چند سالی روی آرامش دیده، هر چند که دولت مستعجل بوده» (وزیری، ۱۳۸۵: ۶۰) ولی به هر حال حضور بازماندگان شاه نعمت الله و وصلت آنها با اعضای خانواده شاهان صفوی و احترامی که این شاهان برای اهل تصوف قائل بودند و نیز صدارت شمس الدین محمد کرمانی که خود مردی فاضل بود و همچنین حکومت شاه عباس اول و سپردن حکومت کرمان به گنجعلی خان سبب گردید که کرمان در آن دوره از تظلم‌ها و اجحاف مصون و محروس بماند (همان: ۶۰۴).

همه این عوامل سبب شد که در این دو قرن، ستارگان بسیاری در آسمان علم و ادب کرمان بدرخشند و تقریباً در همه شاخه‌های علوم آثار ارزشمندی از خود برجای بگذارند. بزرگانی چون افضل طبیب کرمانی در پزشکی و داروسازی، غیاث الدین محمد عاشقی کرمانی در ریاضی، خواجه عبدالله مروارید کرمانی، عبدالرزاق کرمانی و ... در ادبیات، قادری کرمانی در تاریخ، محمد قاسم کرمانی در هنر خوشنویسی، شمس الدین محمد کرمانی و عبدالله خییسی در منطق و کلام، خاصه کرمانی در نجوم و ده‌ها چهره مطرح دیگر که ذکرشان در این مجال نمی‌گنجد.

### ۱-۲- بیان مسأله

شناسایی نویسندگان گمنام کرمانی و آثار مخطوط آنان از جمله کارهای مهمی است که محققان و پژوهشگران کرمانی و علاقه‌مندان به حوزه ادب کرمان باید بدان بیشتر توجه کنند. از آنجا که چهار کتابخانه بزرگ تهران (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی ملک و کتابخانه ملی ایران) از جمله بزرگ‌ترین منابع حفظ و نگهداری نسخ خطی هستند، تلاش کردیم تا با استناد به نسخ موجود در این کتابخانه‌ها، به معرفی چند تن از بزرگان گمنام کرمانی بپردازیم.

### ۱-۳- پیشینه تحقیق

به نظر می‌رسد که شاعران و نویسندگان معرفی شده در این جستار، در میان اهالی فرهنگ و ادب، چندان شناخته شده نیستند. با بررسی‌های انجام شده دانستیم که تاکنون در تذکره‌ها، منابع کتاب‌شناسی، کتاب‌های مربوط به تاریخ کرمان و جز آن، این بزرگان یا به‌درستی معرفی نشده‌اند و یا نام و اثر ایشان به اشتباه ثبت شده است که متأسفانه این خطاها در کتاب‌هایی که از این منابع بهره برده‌اند نیز تکرار شده است.

### ۲- بحث

با توجه به آنچه ذکر شد، در این گفتار به معرفی چند تن از این بزرگان ادب کرمان که در دو سده ۱۰ و ۱۱ هجری از مشاهیر زمان خود محسوب می‌شدند اما برای نسل‌های بعد ناشناخته مانده و خود یا آثارشان به‌طور صحیح معرفی نشده است، پرداخته خواهد شد.

### ۲-۱- مرزبان راوری

موبد مرزبان راوری فرزند رستم مرزبان، یکی از شاعران و نویسندگان گمنام کرمانی و از زرتشتیان کرمان است که در اواخر قرن ده و اوایل قرن یازدهم هجری می‌زیسته است. از

وی نه تنها نامی در تذکره‌ها برده نشده بلکه در برخی از فهرست‌های نسخه‌های خطی که آثار وی در آن‌ها ذکر شده، نام او اشتباه ثبت گردیده است. به عنوان مثال در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی در ذیل نام مؤلف ترجمه "مینوی خرد" که یکی از آثار اوست، نام وی "مرزبان راوی" نوشته شده است. (فهرست نسخه‌های خطی مجلس، ج ۳۷، ص ۲۷۳ و ص ۴۰۴؛ ج ۳۵، ص ۱۵۸). متأسفانه این اشتباه در فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا) نیز به همین صورت تکرار شده است (درایتی، ۱۳۸۹: ۴/۱۵۸).

نکته جالب‌تر این است که این خلط نام در بعضی از کتاب‌های عزیزان زرتشتی هم دیده می‌شود. در کتاب «زرتشتیان پس از اسلام» در معرفی انوشیروان پور مرزبان راوری چنین می‌نویسد: «انوشیروان یا نوشیروان پسر مرزبان راوی است...». (نمیرانیان، ۱۳۸۷: ۱۳۳). همه این اشتباهات در حالی است که در ابتدای ترجمه منظوم مینوی خرد (خردنامه) که یکی از مهم‌ترین آثار اوست؛ به روشنی نام وی مرزبان راوری نوشته شده است.<sup>۲</sup> البته منکر این نیز نیستیم که این اشتباه از ابتدا ممکن است که یک غلط تایپی در متون چاپی اولین فهرست بوده که در دیگر منابع تکرار شده است اما به هر حال ساده گذشتن از این مطلب و بی‌توجهی نسبت به آن و همچنین ناشناخته بودن شهرستان راور به عنوان یکی از شهرستان‌های استان کرمان برای برخی، باعث گمنام ماندن و به شمار نیاموردن این فرزانه در لیست شاعران و نویسندگان کرمان شده است.

همان‌طور که گفته شد؛ مرزبان راوری حتی برای جامعه زرتشتی کرمان و حتی اهل قلم آن نیز شناخته شده نیست و این مطلب برای نگارندگان آن هنگام مشخص شد که با انجمن زرتشتیان برای فهمیدن این مهم بسیار جستجو و کنکاش کردیم.

در هر صورت، موبد مرزبان راوری پسر موبد رستم در بخش راور کرمان دیده به جهان گشود. وی در خانواده‌ای که نسل اندر نسل از پیشوایان و عالمان زرتشتی به حساب می‌آمدند، پرورش یافت و به مقام دستوری و موبدی نائل گردید. او دارای سه فرزند به

نام‌های بهرام، انوشیروان و فریدون بود که هر سه همچون پدر از فرزندگان، روحانیون و موبدان سرشناس زرتشتی محسوب می‌شدند (فکری ارشاد، زمستان ۱۳۸۰ و بهار ۱۳۸۱: ۹۳). ظاهراً موبد مرزبان راوری بعد از کشتار عام و تاراج راوری،<sup>۳</sup> مدتی را در پریشانی و سرگشتگی گذراند و سپس کرمان را به همراه فرزندان و جمعی از زرتشتیان به قصد یزد ترک کرد و رحل اقامت در آن دیار افکند. وی در آنجا مورد استقبال و لطف "رستم پور گشتاسب" قرار گرفت و در سایه حمایت او، به خلق آثار خود پرداخت. او کتاب "وصف خرد" خود را در آنجا نوشته و آن را به برادر میزبان خود "فولاد گشتاسب" تقدیم کرد (شهمردان، ۱۳۶۳: ۶۴۷).

"مرزبان راوری" علاوه بر تسلط همه جانبه بر امور دینی، شاعری شیرین سخن و نویسنده‌ای متبحر و مسلط به زبان پهلوی نیز بود. از وی آثار زیادی بر جای مانده است که برخی از آن‌ها در کتابخانه‌های خارج از کشور و برخی دیگر نیز در کتابخانه‌های داخل نگهداری می‌شود.

داستان شاعر و تاراج بلوچ، عدالت‌نامه انوشیروان، عهدنامه میان حضرت علی (ع) و زرتشتیان که توسط وی به نظم درآمده و نیز دیوانی قطور، همه از آثار ارزشمند این نویسنده گمنام است که در کتابخانه‌های مهرجی رانا نوساری، کتابخانه ملی پاریس و کتابخانه دانشگاه بمبئی محفوظ است (فکری ارشاد، ۱۳۸۱: ۹۲).

اما در داخل کشور آثار او در دو کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. از "مرزبان راوری" دو نسخه نفیس و منحصر به فرد در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود می‌باشد. یکی از این دو نسخه، داستان منظوم "شاه خاور و سهیل و گلرخ" است. وی آن را در بحر مقارب سرود که در نسخه خطی شماره ۲۵۷۷/۳ آمده است. مشخصات نسخه‌شناسی مجموعه "۲۵۷۷" به شرح زیر است:

«خط نستعلیق، بدون کاتب، کتابت شده در سده ۱۳. عنوان و نشان شنگرف. کاغذ

فرنگی، جلد تیماج تریاکی، ضربی، مقوایی. کل مجموعه ۳۰۳ برگ، ۱۵ سطر (دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۹/ ۱۳۷۹). این داستان در صفحه‌های ۳۹۸ - ۳۰۳ و در سومین بخش این مجموعه آمده است. سه نسخه از این مجموعه متعلق به نویسندگان کرمانی است. دو نسخه متعلق به "مرزبان راوری" است و نسخه نهم این مجموعه، رساله‌ای است از "شاه نعمت الله ولی"، به نام رساله "احکام طالع سال‌ها" که در موضوع نجوم نوشته شده است.

"مرزبان" در نظم این مثنوی سعی کرده بیشتر به روش پیشینیان مخصوصاً فردوسی عمل کند. ابیاتی از این منظومه:

نکو خواه و روزی ده بندگان	به نام خداوند روزی رسان
خدایی که بر کل عالم یکیست	خدایی که هست و خدایی که زیست
بدین قصه نغمز بگشای گوش	کنون ای خردمند با رای و هوش
که بر کس نماند نه گنج و نه رنج	یکی قصه بر شاه خاور بسنج
شهی بود با تاج و تخت و نگین	چنانی که در شهر خاور زمین
ولیکن نبودش یکی یادگار	... ز گنج و خزائن بدش بی شمار
ز ماه دو هفته فروزنده تر	... جهانان یکی داد او را پسر
سپردش ابا دابه مهربان	... وزان پس سرافراز شاه جهان
که چشم خرد بر جمالش بسوخت	... چو <sup>۴</sup> یک ساله شد رخ چنان برفروخت
قوی یال و گرد و هنرمند گشت	... ده و دو چو از سال بر او گذشت

(مرزبان راوری، گ ۳۰۳ پ)

او سرگذشت پادشاه و پسرش سهیل و ماجراهای از دست دادن تاج و تخت پادشاهی تا به دست آوردن مجدد آن را تا به آخر به نظم می‌کشد و در طول داستان، از دادن آموزه‌های اخلاقی نیز غفلت نمی‌کند. در آخر این داستان نیز شاعر نام خود را این چنین می‌آورد:

بود مرزبان نام اندر جهان	... اگر نام کاتب ندانی عیان
به مینو روان خودش شاد کرد	به گیتی هر آن کس مرا یاد کرد
خدا مرز آرَد و را مرزبان	همیشه بود شاد اندر جهان

خداوند عالم ورا یار باد      به هر دو جهان او نکوکار باد  
... خدامرزش باد آن پاک‌دین      مرین خط بخواند کند آفرین  
(مرزبان راوری، گ ۳۹۸ ر)

نسخه دیگر که از آثار او در این کتابخانه موجود است و در نسخه خطی شماره ۲۵۷۷/۱۰ آمده، داستان منظوم "خردنامه" یا "وصف خرد" است که ترجمه منظوم کتاب معروف "مینوی خرد" از زبان پهلوی به فارسی است. این داستان شامل پرسش‌هایی از جانب "دانا" و پاسخ‌هایی از طرف "خرد" و تقریباً شامل ۱۳۴۲ بیت است. وی آن را در حدود سال ۹۸۰ یزدگردی یا ۱۰۳۰ هجری قمری سروده است. در صفحه اول این مثنوی چنین نوشته شده: «داستان وصف خرد از گفته مرزبان راوری، خدایش به رحمت بیامرزاد». این داستان با ستایش خداوند آغاز می‌شود:

به نام خداوند جلال و جلال      به نام خداوند بسدر و هلال  
سزاست خالق، وراست حمد و سپاس      فزون از شمار و فزون از قیاس...  
(همان، گ ۵۱۰ پ)

سپس با مدح "زرتشت" پیامبر و ذم "اسکندر" ادامه می‌یابد تا به پرسش و پاسخ خرد و دانا می‌رسد. در بالای این صفحه نوشته شده: «ترجمه خردنامه فولاد گشتاسب از پهلوی به پارسی».

...به گیتی چگونه گزینم مـدار      که تن شاد باشم روان استـوار  
خرد داد او را بدینسان جـواب      که از راستی هیچ سان سر متـاب  
دگر آنکه هر کو ترا کـهتر است      گرش مه نداری بسی درخوراست  
دگر ز آنکه همتاست در انجمن      مر او را تو دار از بر خویشتن  
... کهن را چو همتا و همتا چو مه      پرستیدن مه شمر کـار بـه  
دگر خوی خود را به نیکی گـمار      به نیکو منش باش فرمان‌گزار  
میپچان سر از گفتن راستی      به رادی بکوش و مکن کاستی  
(همان، گ ۵۱۲ پ)



این گفتار در قسمت دهم و در صفحه‌های ۶۰۱ - ۵۱۰ مجموعه ۲۵۷۷ فهرست دانشگاه آمده است.<sup>۵</sup>

مشخصات این نسخه بدین شرح است:

«خط نستعلیق، بدون کاتب، سده ۱۳ هجری قمری. عنوان و نشان شنگرف. کاغذ فرنگی، جلد: تیماج تریاکی ضربی مقوایی. ۳۰۳ برگ، ۱۵ سطر». (دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۹/ ۱۳۷۹) از دیگر آثار او که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، ترجمه منشور کتاب "مینوی خرد" است<sup>۶</sup> که سه نسخه از آن در این کتابخانه محفوظ است.

۱. نسخه شماره ۱۳۸۴۲/۲۱ با مشخصات نسخه شناسی زیر:

«خط نستعلیق، با کتابت "فریدون بن مرزبان" و "رستم بن انوشیروان بن مرزبان"، کتابت شده در ۹ آذر ۹۹۶ یزدگردی برابر با ۱۰۳۶ هـ. ق. عناوین و نشانی‌ها شنگرف. جلد مقوایی با عطف پارچه‌ای. ۲۶۷ برگ، ۱۸ سطر». (نظری، ۱۳۸۸، ج ۳۲: ص ۴۰۶). نسخه دیگری با نام "ارداویرافنامه" از "انوشیروان" پور "مرزبان راوری" نیز در این مجموعه وجود دارد.

۲. نسخه شماره ۱۳۷۴۱/۱۶ با این مشخصات:

«خط نستعلیق، با کتابت "فریدون بن مرزبان"، کتابت شده در «بهمن ماه الهی ۹۹۶ یزدگرد بن شهریار سنه ۱۰۳۶ق». عناوین و نشانی‌ها شنگرف. جلد: پارچه‌ای برزنت مشکی، عطف و گوشه تیماج. ۵۵۳ برگ، ۲۱-۲۳ سطر» (صدرائی خوئی، ۱۳۷۶: ۳۷/ ۱۵۸). دفتر ۱۳۷۴۱، مجموعه آثار زرتشتیان است که "مینوی خرد" در صفحه‌های ۳۴۳ رو تا ۳۴۶ پشت آمده است. در این مجموعه یک نسخه دیگر از فرزند "مرزبان راوری" نیز موجود است. نسخه شماره یک، از "انوشیروان پور "مرزبان" به نام "بهمن‌نامه".

این نسخه این گونه آغاز می‌شود:

«سپاس و ستایش دادار اورمزد ... خره‌مندِ بلندسودِ رهنمای پناه فریادرس پیروزگر مهربان. چنین گویند که دانایی بود، اندیشید که یزدان دین به راستی و فراهونی داد و جمله

دامان بر نیکی و راستی، پس چرا مردم بس کیش و بس روشن داد که بهری داد راست و فراهونی و بهری نه خوب...» (مرزبان راوری، گ ۳۴۳ر)

۳. نسخه دیگری که ناقص است و شامل بخشی از این کتاب است. این نسخه به شماره ۱۲۶۰۴ و با مشخصات نسخه‌شناسی زیر در این کتابخانه موجود است:  
«خط نستعلیق، بدون کاتب، بدون تاریخ، عناوین و نشانی‌ها شنگرف. جلد گالینگور سبز. ۶۴برگ، سطرها مختلف» (صدرائی خوئی، ۱۳۷۶: ۳۵/۱۵۸). از نظر شماره‌گذاری صفحه‌ها، نسخه به هم ریخته است. آغاز نسخه، مانند نسخه قبل است.

## ۲-۲- بهزاد بن رستم

بهزاد پور رستم پور اسفندیار نیز از شاعران و فرزندان گمنام کرمانی و از زرتشتیان این دیار است که در اواخر قرن ده و اوایل قرن یازدهم هجری می‌زیسته است. وی نیز با اینکه در زمان خود از عالمان و نامداران محسوب می‌شد، نامی از او در شمار شاعران کرمان نمی‌یابیم. پدرش "رستم" از نامداران زرتشتی اهل خراسان بود که در کرمان سکنی گزید. او دارای طبعی موزون بود که در نظم کتاب "صد در" که صد فعل از آموزه‌های دین زرتشتی است، همّت نمود ولی بعد از نظم ۱۶ در از دنیا رفت (شهمردان، ۱۳۶۳: ۵۶۱). پسر او بهزاد که مانند پدر از طبع شاعری برخوردار بود و خود از عالمان زرتشتی<sup>۷</sup> محسوب می‌شد، به آرزوی خود و پدر جامه عمل پوشانیده و آن را از "در شانزده" ادامه داده و در سال ۹۷۳ یزدگردی (۱۰۲۲ هجری) تکمیل کرد.

چون که صد در را ز شانزده در بگفتم من تمام بود تاریخش هزار و بیست و دو ای نیکنام<sup>۸</sup>  
(بهزاد بن رستم، گ ۱ر)

این منظومه در مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران به شماره ۱۶۸۲۰ نگهداری می‌شود. مشخصات این نسخه به شرح زیر است:

«خط نستعلیق تحریری، بدون کاتب، بدون تاریخ، کاغذ هندی نخودی، ۹۵برگ»

(فهرست رایانه‌ای کتابخانه ملی)؛ این نسخه بسیار بدخط، دارای غلط‌های زیاد است. در برخی از صفحه‌ها نیز موریانه خوردگی دیده می‌شود.

این دست‌نوشته در فهرست‌های نسخه‌های خطی، تنها به‌عنوان "دیوان<sup>۹</sup> بهزاد بن رستم" معرفی شده و به کتاب "صد در" اشاره‌ای نشده است. در صورتی که در اولین صفحه این نسخه نوشته شده: «صد در بحر طویل». در متن اشعار نیز خود او به‌صراحت گفته که این همان کتاب "صد در" است که وی آن را از «در» شانزدهم به نظم درآورده و به آرزوی خود جامه عمل پوشانیده است.

نمونه‌ای از ابیات این نسخه:

کو بود در گیتی و مینو به نیکی رهنمای  
بندگان را سال و ماه و روز و شب ناجی غفور  
عقل و هوش و دست و پا و رزق و روزی آفرید  
کس نمی‌ماند بدو او خود نمی‌ماند به کس  
یک اشارت کن خداوندا به سوی این فقیر  
چون مرا امید ازین سان است امیدم برآر  
پندیات زند و پازند از گناهان و صواب (ثواب)  
گفت‌های راه دین را چون دُر و گوهر کنم  
در طلب بودم به دست افتاد اینسان دفترم  
کوشش بسیار کردم از برای نظم او  
(بهزاد بن رستم، گ ۳پ)

اول از آغاز دفتر گفتست [کذا] نام خدای  
قادری کو ره نماید وز بدی دارد به دور  
... گیتی و مینو ز صنع قدرتش آمد پدید  
خواجه هر دو سرا، روزی ده فریادرس  
... عاجز و مسکین و نادانم تو پاک و بی‌ظنیر  
طبع نظم بنده را گردان چو تیغ آبدار  
تا به نظم آرم خدایا در ره دین یک کتاب  
... اندر آن کوشم که نظم دفتر صد دُر کنم  
... چون من از توفیق یزدان و ز فعل اخترم  
چون بدیدم، رغبتم افتاد و کردم عزم او

او در آخرین بیت‌های دیوان نیز چنین می‌سراید:

تا درین دوران بماند تا به دور جاودان  
تا بخوانند و خدامرزی رسانند دوستان  
پس خدامرزی رسان مان تو یار و همدمی  
(همان، گ ۹۵ر)

خوب و نیکویش نگه دارید از پیر و جوان  
وقف شد صد در برای الکه هندوستان  
این کتاب را نظم کرد بهزاد ابن رستمی

## ۲-۳- قدسی کرمانی

نام وی در هیچ یک از کتاب‌هایی که شاعران و یا مؤلفان کرمانی معرفی شده‌اند، نیامده است. نام "قدسی کرمانی" برای بسیاری تداعی کننده شاعر معروف "فؤاد کرمانی" یا "قدسی" است که متعلق به قرن ۱۴ هجری بوده است (بهزادی اندوهجردی، ۱۳۸۸: ۷۵۰)؛ در حالی که شاعر مورد نظر ما در حدود اواخر قرن ده و اوایل قرن ۱۱ هجری می‌زیسته است. در تنها منبعی که از وی نام برده شده آن هم بدون اشاره به آثارش، "عرفات العاشقین" است، که نام وی را در قسمت متأخرین آورده و می‌گوید که «وی از اهل این زمان است» (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۸: ۳۰۷۱).

با توجه به تاریخی که "اوحدی بلیانی" می‌زیسته، یعنی ۹۷۳-۱۰۴۰ قمری معلوم می‌شود که قدسی کرمانی هم متعلق به دوره صفوی و حدود همین تاریخ بوده است. احتمالاً او اشعار و آثار متعددی داشته که یا چیز زیادی از آن‌ها باقی نمانده و یا با آثار دیگرانی که همانام وی بوده‌اند، خلط شده است. تنها اثر باقی مانده که بدون تردید از او است، مثنوی‌ای در حدود نود بیت است که «قضا و قدر» نام دارد. این مثنوی پندآموز، دارای ابیاتی روان و شیرین است که داستان یکی از حکام کرمان را بیان می‌کند که دل به ماهرویی داده و در سر خیال وصل او را می‌پروراند اما قضا و قدر چیز دیگری تدارک دیده است. از این اشعار مشخص می‌شود که وی دارای طبعی روان بوده و با علوم آن عصر از جمله علم نجوم آشنایی داشته است. سه نسخه از این دست‌نوشته موجود است که یکی از آن‌ها در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۴۷۳۶/۴۱ و با مشخصات ظاهری زیر موجود است:

«خط نستعلیق و نسخ راسته و چلیپا (این رساله نستعلیق)، با کتابت "محمد قاسم کرمانی"،<sup>۱۰</sup> کتابت شده در قرن ۱۱ قمری. کاغذ سپاهانی، جلد تیماج سرخ، ضربی، مقوایی. در صفحه عنوان آمده است: مثنوی قضا و قدر از قدسی کرمانی که از این شاعر در منابع و

تذاکر نام و اثری کمتر دیده شد» (دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۱۴/۳۶۹۶). این مثنوی در (صفحه‌های ۲۱۹، ۳۲۰ و ۳۲۳) آمده‌است. در این جنگ شعری نیز از "محمد قاسم کرمانی" کاتب نسخه وجود دارد.

دو نسخه دیگر نیز از این مثنوی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است. نسخه شماره ۷۲۰۲/۲ که مشخصات ظاهری ذیل مربوط به دفتر ۷۲۰۲ است:

«خط نستعلیق، بدون کاتب، کتابت شده در ذح ۱۲۲۶ قمری. جلد روغنی، سطرها مختلف» (صدرائی خوئی، ۱۳۷۶: ۲۵/۲۰۰). این مثنوی در دومین بخش این دفتر آمده است. نسخه شماره ۱۱۲۲/۱۶ نیز نسخه دیگر این مثنوی است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی با این مشخصات موجود است:

«خط شکسته نستعلیق، بدون کاتب، کتابت شده در قرن ۱۱ قمری. وصالی شده. کاغذ شکری نازک آهار مهره، جلد تیماج قهوه‌ای با ترنج و نیم ترنج» (شیرازی، ۱۳۵۳: ۳/۵۷۰).

ابیات زیر از نسخه دانشگاه تهران است:

شنیدم روزی از حرف آشنایی	به شهرستان معنی رهنمایی
زبانش صیقل آیینی راز	به گلزار معانی نغمه پرداز
دهانش مشرق خورشید معنی	زبانش شعله نخل تجلی معنی
... که در کرمان ز ترکان حاکمی بود	که سر بر آستانش عرش می سود
دلش دریا کفش ابر بهاری	از او دریا و کان در شرمساری
ازو شاخ سخا سبز و برومنند	عطایش بیخ فقر از دهر بر کند
... دلش مرغ وفا را آشیانه	به دام عشق افتاده چو دانه
شده سرگرم عشق ماهرویی	بتی کافر نهادی تند خویی
رخش فرمانروای عالم نور	شرار شمع رویش شعله طور
تیسم تا نسازد قیمتش پست	شکر عهد غلامی با لبش بست
زدی بر هر که زخم تیر مژگان	چکیدی از لب زخم آب حیوان

... چو کرد اندر چمن آن شوخ طنّاز      به صد شوخی نقاب از روی خود باز  
ز خجلت گل ز بلبل خواست دستور      که گردد در نقاب غنچه مستور  
(قدسی کرمانی: ۳۲۰)

در ابیات پایانی نیز این گونه از داستان نتیجه می‌گیرد:

... بلی هر جا قضا آتش فروزد      در آب زندگی ماهی بسوزد  
کسی حکم قضا را کرد چاره      که جست از بحر بی ساحل، کناره  
کسی را درد آئید دوا نیست      که سر بر خط فرمان قضا نیست  
نماید هر که را شد عمر کوتاه      دم عیسی به کوی نیستی راه  
چو روز عمر گردد بر کسی شام      شود آب حیاتش زهر در کام  
... چو قدسی نه به کوی نیستی گام      اگر می‌خواهی از عمر ابد کام  
(همان: ۳۲۳)

#### ۲-۴- حافظی کرمانی

حافظی نیز از شاعران اواخر قرن ده و اوایل قرن یازدهم هجری است. هر چند که برخلاف سه شاعر دیگر نام او در برخی از منابع از جمله لغت‌نامهٔ دهخدا (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل مدخل حافظی) و ذریعه، به‌عنوان یکی از شاعران کرمان آمده است اما به نظر می‌رسد که آثار او را کامل معرفی نکرده‌اند (تهرانی، ۱۹۸۳: ۹/۲۲۵).

حافظی، از شاعران، علما و واعظان زمان شاه طهماسب و شاه عباس صفوی بوده است. شغل اصلی وی در کرمان حکاکی بود ولی شعر نیز می‌سرود و مردم را موعظه می‌کرد. او بعد از چندی به هرات رفت و در آنجا ساکن شد و ظاهراً وی حدود نود سال عمر کرد (همان). در ذریعه آمده که اشعاری از او در منابع موجود است اما از آن‌ها نامی نمی‌برد. در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران دو نسخهٔ خطی با نام‌های "اصول و فروع دین منظوم" به شمارهٔ ۱۹۲۷/۳ و "منظومهٔ کلامی و فقهی شیعه" به شمارهٔ ۹۷۵۶ از شخصی به نام "حافظی" وجود دارد. به نظر می‌رسد در معرفی این دو نسخه در فهرست نسخه‌های خطی،

از جمله فهرست خود دانشگاه (۱۷/ ۷۷۵ و ۸/ ۵۴۱)، فهرست دنا (درایتی، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۱۳۱ و ۵/ ۱۲۵) و نیز فهرستوارهٔ منزوی (منزوی، ۱۳۸۳: ۹/ ۲۲۵) در دو مورد، اشتباه شده است. مورد اول که به‌طور قطع اشتباه رخ داده، این است که در این فهرست‌ها، این دو نسخه را متفاوت از هم دانسته‌اند، در صورتی که بعد از رؤیت نسخه‌ها و مقایسه، مشخص شد که هر دوی آن‌ها یکی هستند، فقط نام آن‌ها متفاوت است.<sup>۱۱</sup> اشتباه دوم در معرفی مؤلف این کتاب است. در فهرست‌های مذکور، این دو نسخه را تنها از شخصی به نام "حافظی" متعلق به قرن ده هجری دانسته‌اند. تنها در منزوی به الذریعه و ذیل "حافظی کرمانی" ارجاع می‌دهد، بدون اینکه نام مؤلف را با پسوند کرمانی بیاورد. اما با دلایل و قراینی تقریباً می‌توان مطمئن شد که مؤلف این منظومه همان حافظی کرمانی است. ابتدا به قرینهٔ قرنی که حافظی کرمانی می‌زیسته است که همان قرن حافظی، مؤلف این دو نسخه است، دیگر توجه به این نکته که وی از علما و واعظان دینی آن زمان بوده و مضمون این اشعار نیز در اصول عقاید و فقه شیعه (در باب طهارت و نماز) است که کاملاً با وظیفهٔ وی هم‌خوانی دارد. در ضمن شاید ذکر این نکته نیز در اینجا مفید باشد که نسخهٔ شمارهٔ ۹۷۵۶ دانشگاه برای خواندن میرزا محمد تقی صاحب کرمانی کتابت شده است. بنابراین با احتمال قریب به یقین مؤلف این نسخه‌ها همان حافظی کرمانی عالم قرن ده و یازده هجری است.

مشخصات نسخهٔ ۹۷۵۶ به شرح زیر است:

«اصول و فروع دین منظوم، خط نستعلیق، به کتابت "میر غلام حسین"، کتابت شده در ۲۴ ع ۱۲۷۳/۲. برای خواندن میرزا محمد تقی صاحب کرمانی پسر حاجی محمد مهدی صاحب. در متن و هامش، با حواشی شرح مانند در هامش. کاغذ هندی، جلد تازه، ربعی ۱۳ برگ، ۹ سطر» (دانش پژوه، ۱۳۶۴: ۱۷/ ۷۷۵). در ضمن نسخه دارای رکابه است و برخی از عنوان‌ها با شنگرف شده است. این نسخه متعلق به کتابخانه عرشی بوده است.

مشخصات نسخهٔ ۱۹۲۷/۳:

«خط نستعلیق، چلیپا در این نسخه، بدون کاتب، کتابت شده در قرن ۱۳ ق. کاغذ فرنگی، جلد تیماج تریاکی، ضربی، مقوایی آراسته، درون قهوه‌ای. ۲۵۹ برگ، ۱۱ سطر» (دانش پژوه، ۱۳۳۹: ۸ / ۵۴۱). این اشعار در سومین بخش این دفتر و صفحه‌های ۹۴ پشت تا ۹۷ رو آمده است.

ابیات زیر از این منظومه و نسخه دانشگاه تهران انتخاب شده است:

ای دل اول تو بگو بسم الله	کن ادا شکر نعمت الله
بعد حمد خدا و نعت رسول	بگشال لب به مدح زوج بتول
شاه مردان علی ولی الله	که جز او نیست در حقیقت شاه
دین حق دین شاه مردان است	هر که دانسته است مرد آنست
... جعفری باش گر خدا خواهی	ورنه در هر طریق گمراهی
... سخن حق به گوش جان بشنو	می کنند حافظی بیان بشنو
ای مکلف اصول دین پنج است	علم هر یک تو را به از گنج است
هست توحید خالق داور	باز عدل و نبوت است دیگر
اصل چهارم امامتست بدان	که بدین اصل کاملست ایمان
اصل پنجم که نیست غیر معاد	یادگیر و بدان طریق ارشاد
گر بدانی تو معنی توحید	رو کنی سوی عالم تفرید
	(حافظی کرمانی: ۳)

نتیجه

کرمان در قرن‌های ۱۰ و ۱۱ هجری، مهد پرورش بزرگان زیادی در پهنه علم و ادب فارسی بوده است. فرزانه‌گانی چون "مرزبان راوری"، "بهزاد بن رستم"، "قدسی کرمانی" و "حافظی کرمانی" از اندیشمندان و ادیبان بلامنازع کرمان در این دوره محسوب می‌شدند که در عصر خود شناخته شده و مشهور بودند اما متأسفانه برای نسل‌های بعد گمنام و ناشناخته ماندند و شاید حتی اهل علم و فضل نیز کمتر از نام و نشان آن‌ها مطلع باشند. از ایشان آثار



ارزشمندی به نظم و نثر فارسی برجای مانده که در کتابخانه‌های دانشگاه تهران، مجلس شورای اسلامی و مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به صورت نسخه خطی نگهداری می‌شود. بررسی زندگی‌نامه و آثار این عالمان نشان داد که آن‌ها در اغلب علوم زمانه خود متبحر و تأثیرگذار بوده‌اند.

### پی‌نوشت‌ها

۱- به‌طور کلی «تیموریان اعم از سلاطین و یا شاهزادگان این سلسله جز تیمور که خوی غارتگری و خونریزی داشت، باقی مردمی معتدل و گاه مانند شاهرخ متدین و عدالت‌پیشه و فرهنگ‌دوست و ادب‌پرور و هنرمند نواز بودند» (صفا، ۱۳۸۹: ۴/۱۱).

۲- ر.ک. داستان وصف خرد، نسخه خطی شماره ۲۵۷۷، دانشگاه مرکزی تهران، ص. ۵۱۰ و ص. ۵۲۷.

۳- در طی گفتگوی حضوری با استاد فقید، دکتر باستانی پاریزی درباره این تاراج، ایشان متذکر شدند که در آن قرن‌ها، تاراج راور توسط ازبک‌ها صورت گرفته، چنانکه در تاریخ کرمان هم ذکر شده است (وزیری، ۱۳۸۵: ۵۹۸)؛ اما ظاهراً شاعر مثنوی‌ای به نام «شاعر و تاراج بلوچ» سروده که گویا در خصوص حمله بلوچ‌ها به راور و مصائبی است که او و خانواده‌اش کشیدند (شهمردان، ۱۳۶۳: ۶۴۷).

۴- در تمام این منظومه «چو» به شکل «چه» کتابت شده است.

۵- در ذیل فهرست دانشگاه نوشته شده: (ص.ص. ۵۱۰-۴۶۹)؛ بعد از دیدن نسخه مشخص شد که اشتباه است و منظومه تا صفحه ۶۰۱ ادامه دارد. در ضمن از صفحه ۶۰۱ تا آخر صفحه ۶۰۶، حکایت پادشاهی انوشیروان قباد به نظم است که مشخص نشد از کیست. شاید آن هم از مرزبان راوری باشد.

۶- کتاب مینوی خرد را آقای احمد تفضلی از پهلوی ترجمه و چاپ کرده‌اند اما ترجمه مرزبان راوری تا کنون چاپ نشده است.

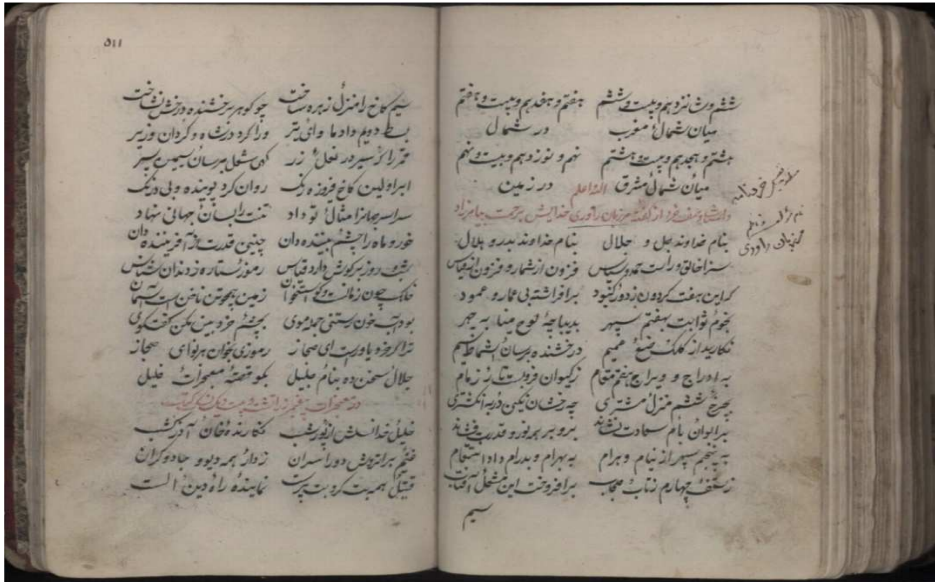
۷- در فهرست رایانه‌ای کتابخانه ملی وی را ظاهراً مقیم هندوستان دانسته است. فهرست‌نگار محترم اشاره نموده‌اند بر چه اساس این حدس را زده‌اند. در منابع دیگر نیز مطلبی در تأیید این سخن دیده نشد.

۸- ر.ک. دیوان بهزاد بن رستم، کتابخانه ملی، نسخه خطی شماره ۱۶۸۲۰

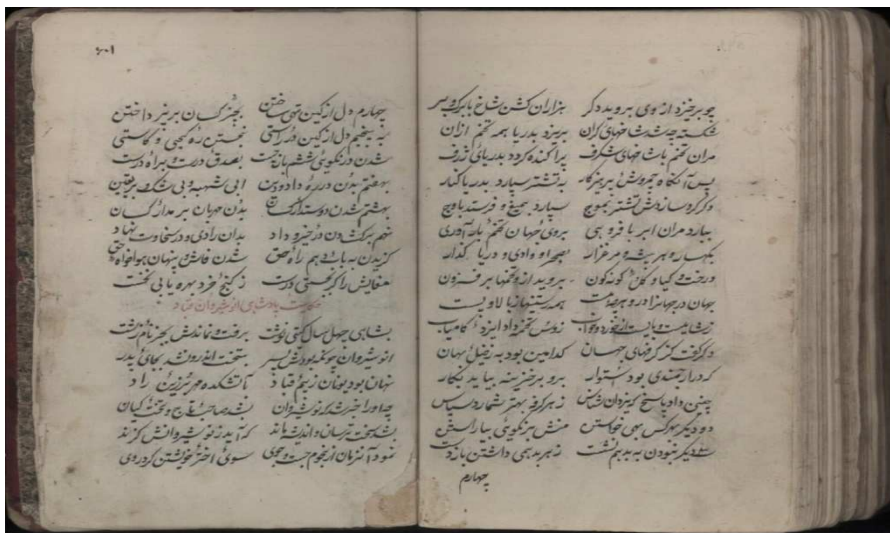
۹- در واقع این اثر مثنوی بهزاد بن رستم است.

۱۰- وی از خطاطان و شاعران قرن یازدهم هجری است که اشعاری نیز از او در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است (ر.ک. نسخه شماره ۴۷۳۶، دانشگاه تهران).

۱۱- ظاهراً نسخه دیگری از این منظومه با نام "تحفه طهماسبیه" نیز وجود دارد که در کاظمین نگهداری می‌شود (ر.ک. الذریعه، ذیل تحفه طهماسبیه).



صفحه اول از داستان منظوم "مینوی خرد" اثر مرزبان راوری  
(نسخه خطی شماره ۲۵۷۷/۱۰ - کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)



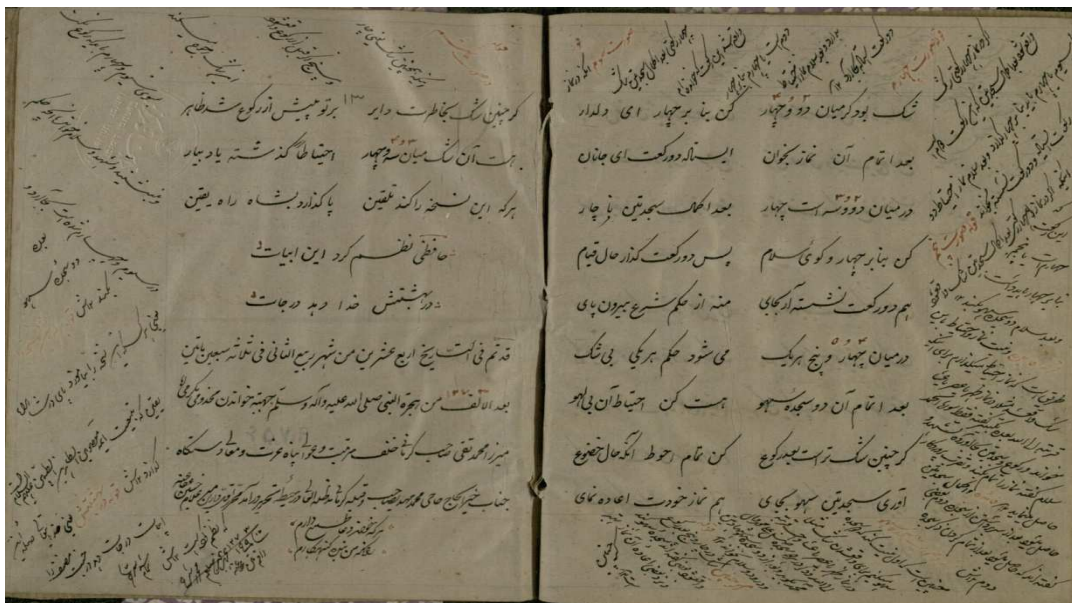
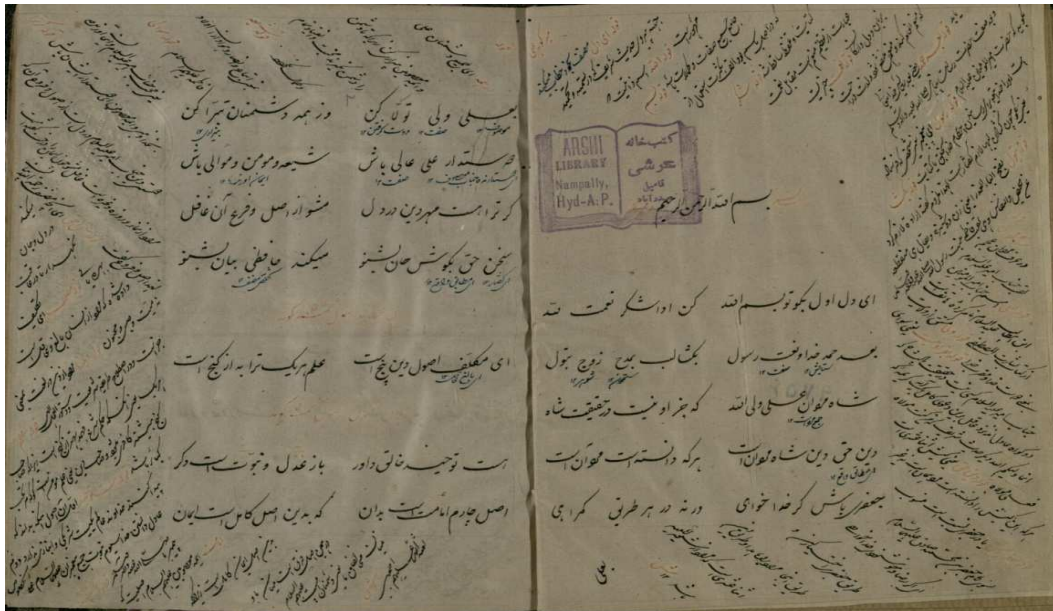
صفحه آخر از داستان منظوم "مینوی خرد" اثر مرزبان راوری  
(نسخه خطی شماره ۲۵۷۷/۱۰ - کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

جمله هدیای تویند نسیم ز لاریکت ب  
یادگار سپهر فرزند لاریکت که اندر و تویند  
یشت برین راکو اندر جمله کوران  
ایم لعی و هر که در کتزار دارد  
این کن صدده از بنده خریدند در  
تا بماند یادگار از بنده ملک جهان  
در میرد و آفرین کن خانه در ملک  
چون بگویند سخن همه جا که تمام موبدان  
جمله و فکر و دان باشید و بنده  
رحم بر جان بوشو و از و پروردگار  
پس خدا مرزی بصدق ده بگویند و ناید  
یادگاری باشد اندر الکره بنده ستان  
این کن بماند درین دنیا نماز ملک  
که چو کتار بگردم عیب اگر دار و پیش  
کین چنین صد پرستند تا بام سود  
یا و میدار و خدا مرزی بصدق  
پس خدا مرزی بصدق و بماند  
کفته است این نظم صد در و لطف

جمله هدیای تویند نسیم ز لاریکت ب  
یادگار سپهر فرزند لاریکت که اندر و تویند  
یشت برین راکو اندر جمله کوران  
ایم لعی و هر که در کتزار دارد  
این کن صدده از بنده خریدند در  
تا بماند یادگار از بنده ملک جهان  
در میرد و آفرین کن خانه در ملک  
چون بگویند سخن همه جا که تمام موبدان  
جمله و فکر و دان باشید و بنده  
رحم بر جان بوشو و از و پروردگار  
پس خدا مرزی بصدق ده بگویند و ناید  
یادگاری باشد اندر الکره بنده ستان  
این کن بماند درین دنیا نماز ملک  
که چو کتار بگردم عیب اگر دار و پیش  
کین چنین صد پرستند تا بام سود  
یا و میدار و خدا مرزی بصدق  
پس خدا مرزی بصدق و بماند  
کفته است این نظم صد در و لطف

صفحه پایانی مثنوی صدر در، اثر بهزاد بن رستم (نسخه خطی شماره ۱۶۸۲۰ - کتابخانه ملی ایران)





صفحه اول و آخر از "منظومه کلامی و فقهی شیعه" اثر حافظی کرمانی (نسخه خطی شماره ۹۷۵۶،

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

## منابع

- ۱- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد. (۱۳۸۸). *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*. تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- ۲- بهزاد بن رستم. (بی‌تا). *مثنوی بهزاد بن رستم (صد در منظوم)*. کتابخانه ملی ایران. نسخه خطی به شماره ۱۶۸۲۰.
- ۳- بهزادی اندوهجردی، حسین. (۱۳۸۸). *تذکره شاعران کرمان*. کرمان: مرکز کرمان شناسی.
- ۴- تهرانی، آقا بزرگ. (۱۹۸۳م). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالاضواء.
- ۵- حافظی کرمانی. (بی‌تا). *اصول و فروع دین منظوم (منظومه کلامی و فقهی شیعه)*. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. نسخه خطی به شماره ۹۷۵۶.
- ۶- ----- (بی‌تا). *اصول و فروع دین منظوم (منظومه کلامی و فقهی شیعه)*. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. نسخه خطی به شماره ۱۹۲۷/۳.
- ۷- دانش‌پژوه، محمد تقی. (۱۳۳۹). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*. جلد ۸. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- ----- (۱۳۴۰). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*. جلد ۹. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- ----- (۱۳۴۰). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*. جلد ۱۴. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- ----- (۱۳۶۴). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*. جلد ۱۷. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران*. جلد‌های ۱، ۴ و ۵. تهران:

موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- ۱۲- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳- شهردان، رشید. (۱۳۶۳). تاریخ زرتشتیان- فرزندگان زرتشتی. تهران: نشر فروهر.
- ۱۴- شیرازی، یوسف. (۱۳۵۳). فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (جلد سوم). عبدالحسین حائری. تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- ۱۵- صدرائی خوئی، علی. (۱۳۷۶). فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی. جلد سی و پنجم. با نظارت عبدالحسین حائری. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۶- صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۸). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- ۱۷- فکری ارشاد، جهانگیر. (زمستان ۱۳۸۰ و بهار ۱۳۸۱). پژوهشی در جایگاه ادبی و مذهبی نوشیروان کرمانی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۰ و ۱۱ (پیاپی ۸)، ص.ص. ۱۰۴-۸۹.
- ۱۸- قدسی کرمانی. (بی‌تا). قضا و قدر. کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه خطی به شماره ۷۲۰۲/۲
- ۱۹- ----- (بی‌تا). قضا و قدر. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. نسخه خطی به شماره ۴۷۳۶/۴۱
- ۲۰- ----- (بی‌تا). قضا و قدر. کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه خطی به شماره ۱۱۲۲/۱۶
- ۲۱- مرزبان راوری. (بی‌تا). خردنامه (مینوی خرد). کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه خطی به شماره ۱۳۷۴۱/۱۶
- ۲۲- ----- (بی‌تا). خردنامه (مینوی خرد). کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه خطی به شماره ۱۳۸۴۲/۲۱

- ۲۳- ----- (بی‌تا). خردنامه (مینوی خرد). کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه خطی به شماره ۱۲۶۰۴
- ۲۴- ----- (بی‌تا). داستان شاه خاور و سهیل و گلرخ. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. نسخه خطی به شماره ۲۵۷۷/۳
- ۲۵- ----- (بی‌تا). داستان منظوم وصف خرد. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی به شماره ۲۵۷۷/۱۰
- ۲۶- منزوی، احمد. (۱۳۸۳)، فهرستواره نسخه‌های خطی. ج ۹. تهران: دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۷- نظری، محمود، (۱۳۸۸)، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی. جلد سی و دوم. تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۲۸- میرانیان، کتایون. (۱۳۸۷)، زرتشتیان ایران پس از اسلام تا امروز. کرمان: مرکز کرمان شناسی.
- ۲۹- وزیری کرمانی، احمد علی خان. (۱۳۸۵). تاریخ کرمان. محمد ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: نشر علمی.